■حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
سینه خردمند، صندوق راز اوست و خوشرویی وسیله دوستیابی و شکیبایی و گورستان پوشاننده عیب‌هاست.

■اذان ظهر: ۱۲:۰۱ ■غروب آفتاب: ۱۹:۰۸
■اذان مغرب: ۱۹:۲۸ ■نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۰
■اذان صبح فردا: ۳:۱۳ ■طلوع آفتاب فردا: ۴:۵۴

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

■دوشنبه ۱ خرداد ۱۴۰۲ ■سال سی‌ویکم ■شماره ۸۷۷۸

مهار تورم و رشد تولید

■صاحب امتیاز: **مؤسسه همشهری**
■مدیر مسئول: **محسن مهدیان**
■سردبیر: **دانیال معمار**

■ پذیرش آگهی:
■ تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

■ توزیع و اشتراک:
موسسه نشرگستر امروز نوین
■تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

■چاپ: همشهری
■تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■همشهری: www.hamshahrionline.ir
■سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

صوفی از پرتو می راز نهانی دانست
گوهر هر کس از این لعل، توانی دانست
حافظ

گرینویچ

بازگشت به اصل زندگی

شاید بارها به سرمان زده که زیر میز بزنیم، از کارمان استعفا بدهیم و مثل اجداد خیلی دورمان زندگی کنیم که سقفشان آسمان و بی‌نیاز از تمدن بوده‌اند. یک جوان چینی، دقیقا همین کار را کرده و حالا ماه‌هاست راحت و آسوده، کار نمی‌کند و در یک چادر زندگی می‌کند. او بعد از اینکه از کارش استعفا داد، ماه‌ها در خانه اجاره‌ای‌اش زندگی کرد اما از آن هم بیرون آمد و حالا بیش از ۲۰۰روز است که در یک چادر در یک محوطه پارکینگ نیمه‌کاره زندگی می‌کند. او خود را مجاز می‌داند که فقط روزی ۱٫۵دلار هزینه کند و طبیعتا غذاهای ارزان می‌خورد. زندگی او مورد توجه قرار گرفته و بسیاری می‌گویند کاری که او می‌کند اصلا زندگی نیست. اما لی شو از زندگی‌اش حسابی راضی است؛ «این زندگی انتخاب خودم است. وقتی دویدن‌های بی‌حاصل در زندگی را رها کنید، احساس آرامش می‌کنید و به تغییرات عادت می‌کنید. زندگی جدید من، واقعا آرام‌بخش است.»

همبرگر طلایی!

یک ورقه آلومینیومی، یک نان باگت، کمی خیارشور و گوجه، مقدار فراوانی سس و یک برگر که همیشه می‌شنویم بالای ۸۰ درصد گوشت خالص است، تصور عمده ما از برگر است. اما یک همبرگرفروشی، برگری را می‌فروشد، که حتی جامعه برگرخور آمریکایی را هم شوکه کرده است. این رستوران در فیلادلفیا، چیزی را به مشتری‌ها می‌دهد که ۷۰۰دلار قیمت دارد و موردتوجه رسانه‌ها هم قرار گرفته است. اما این ساندویچ چه دارد که اینقدر گران است؟ اینها را داشته باشید: گوشت گوساله ژاپنی تازه، خاویار مرغوب، قارچ ترافل سیاه تازه، یک نوع لابستر بسیار گران، پنیر چدار ایرلندی، و عسل مرغوب. با هر ساندویچ، سیب‌زمینی سرخ‌کرده و نوشیدنی هم ارائه می‌شود. این رستوران، نام این برگر را، که در فویلی طلایی پوشیده می‌شود، «طلای استاندارد» گذاشته و گفته که امیدوار است با قیمت ۷۰۰دلاری، مشتری‌های خاصی که به غذاهای لوکس علاقه دارند را جلب کند.

اورست‌نوردی با ۲پای مصنوعی

تصور اینکه آدم بدون هیچ‌کدام از پاهایش، از پله بالا برود هم ترسناک است اما یک کوهنورد، به نخستین انسانی تبدیل شده که بدون دو پا، توانسته اورست را، فتح کند. هری بودا ماگار، یک نظامی سابق انگلیسی که هر دو پایش را در یک انفجار در افغانستان از دست داده، درواقع نخستین کسی است که با وجود قطع پاهایش از بالای زانو بلندترین قله جهان را فتح کرده است. این مرد ۴۳ساله گفته است که این چالش عظیم را برای الهام‌بخشی و امید به اینکه برداشت‌ها از افراد دارای معلولیت اصلاح شود انجام داده است. او در تماس با تلفن ماهواره‌ای در بالای قله، گفته که بی‌نهایت خوشحال است و اینکه این کار، بسیار سخت‌تر از چیزی بوده که تصور می‌کرده. او ۱۳سال پیش، بعد از انفجار گفته بود فکر می‌کرده زندگی‌اش به پایان رسیده اما بعد از آن، ورزش‌هایی مثل گلف، اسکی، دوچرخه‌سواری و کوهنوردی را شروع کرده و همین‌ها اعتماد به نفس او را افزایش داده‌اند. او گفته است که در طول صعود، هر وقت که اوضاع سخت می‌شده، به یاد خانواده‌اش و هدفی که داشته می‌افتاده است؛ «هدف بزرگ من این بود که برداشت‌ها از معلولیت را تغییر بدهم. مهم نیست که آرزویتان چقدر بزرگ است، مهم نیست که معلولیت شما چقدر سخت است، با ذهنیت درست، هر چیزی شدنی است.»

تک شماره نجات‌بخش

فاطمه عباسی

تصادف، درگیری، بلایای طبیعی، تهدید مالی و جانی و صدها اتفاق پراسترس دیگر همیشه در کمین‌اند و دقیقا در همین لحظات پرهراس است که دچار ضعف حافظه می‌شویم و یادمان نمی‌آید که باید با کدام شماره امدادی تماس بگیریم و اصلا از بین آن‌همه شماره ۳رقمی که حفظ کرده‌ایم، کدام شماره متعلق به چه سازمان و تشکیلاتی است. درست است که به‌خاطر سپردن شماره‌های امدادی الزامی است، اما مشکل این است که انسان غافلگیرشده به‌احتمال زیاد، شماره از حافظه‌اش می‌پرد یا اگر حافظه‌اش یاری دهد ممکن است تلفن درست را شماره‌گیری نکند. مثلا کسی که در جاده تصادف کرده و در آهن قراضه‌های خودرو گیرافتاده احتمالا میان گرفتن شماره پلیس، اورژانس یا هلال‌احمر مردد می‌شود و ممکن است فرصت طلایی نجات را از دست بدهد. این چالش چند سال پیش بهانه‌ای شد تا در مورد یکی کردن شماره تلفن‌های امدادی و تعیین شماره تماس واحد در کشور صحبت شود و استدلال مسئولان هم برای انجام این کار همین حافظه ضعیف من و شما هنگام بروز حوادث و به‌خاطر نیاوردن شماره‌های متعدد امدادی بود که البته به نتیجه خاصی نرسیده بود. اما حالا رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران اعلام کرده که سامانه شماره واحد امدادی به‌زودی در تهران راه‌اندازی می‌شود. او گفته: «سامانه SOS در بسیاری از کشورهای دنیا امری جاافتاده است و به سامانه شماره واحد امدادی و مرکز اقدام مشترک اطلاق می‌شود. در این طرح قصد داریم که شماره‌های اورژانس، آتش‌نشانی، هلال‌احمر و اورژانس اجتماعی را در گام اول با هم ادغام کنیم.

اگر موفق شویم و جلسات و هماهنگی‌های مبتنی بر شواهد علمی به سرانجام برسد، مردم ما می‌توانند از خدمات شماره واحد امدادی و مرکز اعزام مشترک با توانایی تعیین آدرس دقیق محل وقوع حوادث و فوریت‌ها استفاده کنند.»

به هر حال در کشور بلاخیزی همچون ایران که هر سال چندین فقره سیل و زلزله رخ می‌دهد و آمار تصادفات هم بالاست، تجربه به ما آموخته که مشکل اساسی، نبود فرماندهی واحد در لحظات بحرانی است. خوبی این طرح این است که در زمان وقوع حوادث و فوریت‌ها، یک تک‌شماره واحد امدادی باعث تسریع در اطلاع‌رسانی به نیروهای امدادی و انتظامی و همچنین افزایش سرعت اعزام نیروها و درنتیجه ارائه خدمات فوریتی در کوتاه‌ترین زمان ممکن یا همان زمان طلایی به مصدومان و آسیب‌دیدگان خواهد شد.

اول آخر

مسابقه سنتی گاوسواری/اندونزی-عکس: AFP

عکس‌نوشت

مقصد گردشگری ۴۱هزار ساله

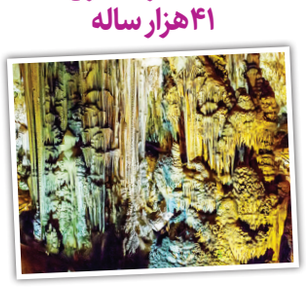

برخی مقاصد گردشگری، مثل رم و ونیز و پاریس، حدود ۳ سده است که گردشگران را به‌خود جلب می‌کنند و سنت گردشگری در آنها خودش یک فرهنگ تاریخی شده است. اما در مقام مقایسه کرد، هیچ مقصد گردشگری را در دنیا نمی‌توان با «کودا ده نرخا» در جنوب اسپانیا مقایسه کرد؛ غارهایی که دانشمندان گفته‌اند، از ۴۱هزار سال پیش مقصد جذاب گردشگری انسان‌های کنجکاو و باورمند بوده است. مجموعه غارهای نرخا، روی هم رفته ۳مایل طول داشته و در نزدیکی مالاگا قرار دارند. گردشگری مدرن در آنها، از سال ۱۹۵۹یعنی زمانی که به‌صورت اتفاقی توسط ۵دوست پیدا شدند شروع شده اما هزاران سال پیش، این غارها مقصدی مهم در گردشگری در جنوب اسپانیا در اروپا بوده‌اند. دانشمندان تا به حال ۵۸۹نقاشی پیشاتاریخی در این غارها به دست آورده‌اند. آنها همچنین مدارکی پیدا کرده‌اند که نشان می‌دهد این غارها، محل مراسم تشییع جنازه هم بوده‌اند.

اخیرا باستان‌شناسان دانشگاه کوردوبا در اسپانیا، در تحقیقی مفصل، متوجه شده‌اند که این غارها، بیشتر از هر مکان دیگری در جنوب اروپا مورد توجه انسان‌ها بوده و یک مقصد گردشگری ثابت برای آنها بوده‌اند و قدمت نخستین بازدیدها، به حدود ۴۱هزار و ۳۰۰سال پیش برمی‌گردد. پیش از این، گفته می‌شد که انسان‌ها از حدود ۳۰هزار سال پیش بازدید از این غارها را شروع کرده‌اند.

جهان‌نما

رابطه عاشقانه پشه‌ها و بوی انسان

یک مهمان ناخوشایند و همیشگی فصل گرما، پشه‌ها هستند که شب‌ها خوابمان را حرام می‌کنند و روزها سرگرم جای نیش‌شان هستیم. از قدیم گفته می‌شد که پشه‌ها، چندان عادلانه سراغ انسان‌ها نمی‌روند و بوی بدن ما، کارت دعوت مهمی برای آنهاست و حالا یک تحقیق علمی، جزئیات بیشتری از این عامل مهم فاش کرده است؛ این بوی ماست که تعیین می‌کند پشه‌ها چقدر عاشق ما شوند.

دانشمندان در یک مقاله علمی که اخیرا منتشر شده، اثر مواد شیمیایی متفاوت در بوی بدن انسان در جذب پشه‌ها را توضیح داده‌اند. پشه‌ها که از همان خانواده مگس‌ها هستند، معمولا جذب شیره درختان و گل‌ها می‌شوند اما پشه‌های مونث، برای تخم‌گذاری، به چیزی نیاز دارند که ما چه‌بخواهیم چه‌نخواهیم، سخاوتمندانه در اختیارشان قرار می‌دهیم: خون.

نیش پشه، هرچند عموما فقط ما را درگیر یک خارش می‌کند اما می‌تواند پیامدهای مرگباری داشته باشد و با انتقال انگل‌ها و ویروس‌ها، جان ما را بگیرد. معروف‌ترین بیماری‌ای که پشه‌ها منتقل می‌کنند، مالاریاست که سالانه جان ۶۰۰هزار نفر را در سراسر جهان، و به‌خصوص در قاره آفریقا می‌گیرد. بیشتر قربانیان هم کودکان هستند. یک علت کاهش مرگ‌ومیر این بیماری در کشورهای پیشرفته و نیمه‌پیشرفته، استفاده از توری‌های پنجره، بهبود سیستم تهویه و همینطور جمع‌آوری فاضلاب سطحی است؛ محیط محبوب پشه‌ها برای پرورش لارو. اما همچنان کشورهای زیادی، به‌خصوص در قاره آفریقا، چنین امکاناتی ندارند. تیم تحقیقاتی، انواع محفظه‌ها با بوهای مختلف را در یک چادر قرار داده‌اند و با دوربین‌های مادون‌قرمز، تردد پشه‌ها و تجمع آنها دور این محفظه‌ها را ثبت کرده‌اند. این محفظه‌ها، در چادری که در منطقه زیر صحرا در قاره آفریقا علم شد، در فاصله ۲۰متری هم قرار داده شدند تا اثرگذاری بوهای مختلف بدن انسان و کشیده‌شدن پشه‌ها به سمت آنها، مورد بررسی قرار بگیرد.

دانشمندان گفته‌اند یافته‌های آنها درباره ارتباط بین مواد شیمیایی حاضر در بوی بدن انسان‌های متفاوت و جلب‌شدن پشه‌ها به این رایحه‌ها، بسیار جالب و هیجان‌انگیز بوده است. آنها امیدوارند با تجزیه و تحلیل این بوها، تله‌هایی برای پشه‌ها بسازند تا در مناطقی که مالاریا بیداد می‌کند، پشه‌ها را بیشتر و بیشتر به دام بیندازند و جلوی انتشار بیماری را بگیرند. یکی از مواردی که پشه‌ها به‌شدت به آن علاقه نشان می‌دهند، کربوکسیلیک‌اسیدها هستند که توسط باکتری‌ها روی پوست انسان تولید می‌شوند. آمینواسید و استیک‌اسید، زیرگونه‌های این اسیدها هستند. آشناترین اسید این خانواده، فرمیک است که با نام جوهر مورچه شناخته می‌شود. یک بوی مطبوع برای پشه‌ها، توسط بوتیریک‌اسید تولید می‌شود که در پنیرهای بدبو مثل لیمبرگر وجود دارد. این بوها، توسط انسان‌ها احساس نمی‌شوند و فقط پشه‌ها آن را می‌فهمند. دانشمندان همچنین گفته‌اند این بوها، با شست‌وشوی بدن هم از بین نمی‌روند و همیشه در دسترس پشه‌ها هستند.

تقویم

فیلسوف شیرازی

روزی ملاصدرا کنار حوض مدرسه درس می‌گفت که یکباره سکوت کرد و به آب حوض خیره شد و انگار فکری به خاطرش رسیده باشد، رو به شاگردان کرد و گفت: «آیا کسی می‌تواند ثابت کند آنچه در این حوض هست، آب نیست؟» چند نفر از شاگردان زرنگ استاد با فن جدل منطق ارسطویی ثابت کردند که در آن حوض آبی وجود ندارد و خالی است. ملاصدرا لبخند رندانه‌ای زد و گفت: «اکنون آیا کسی هست که بتواند ثابت کند در این حوض آب هست؟» شاگردان با تعجب گفتند: «با آن همه صغری و کبری به این نتیجه رسیدیم که در حوض آب نیست، حال چطور خلاف قضیه را ثابت کنیم؟» استاد ۲ دست خود را در آب حوض فرو کرد و چند مشت آب برداشت و به سر و صورت آنها پاشید. همگی برای آنکه خیس نشوند، خودشان را جمع و جور کردند. استاد تبسمی کرد و گفت: «همین احساس شما در خیس شدن بالاتر از دلیل است.»

محمدبن ابراهیم شیرازی، ملقب به صدرالدین و مشهور به ملاصدرا یا صدرالمتالهین شیرازی است. پدرش ابراهیم بن یحیی قوامی از وزرای دولت صفوی بود. محمد بعد از تحصیلات ابتدایی راهی اصفهان -پایتخت علمی ایران- شد، شاگردی شیخ بهایی را کرد و از او علوم نقلی آموخت تا به درجه اجتهاد رسید. بعد در محضر میرداماد رموز حکمت را یاد گرفت و از میرابوالقاسم فندرسکی ریاضی را. اما بعضی علما با مشرب عرفانی فیلسوف جوان مخالف بودند؛ به‌نظرشان حرف‌هایش بوی کفر می‌داد. صدرالمتالهین به روستایی در نزدیکی قم رفت که به آن کهک می‌گفتند. درباره این ۷یا ۱۵سال زندگی می‌نویسد: «وقتی دیدم زمانه با من سر دشمنی دارد و به پرورش اراذل و جهال مشغول است، ناچار روی از فرزندان دنیا برتافتم و دل از آرزوها بریدم و با خاطری شکسته به ادای واجبات کمر بستم و کوتاهی‌های گذشته را در برابر خدای بزرگ به تلافی برخاستم؛ نه درسی گفتم و نه کتابی تالیف نمودم؛ تا آنجا که دشمنی روزگار و فرزندان زمانه بر من سهل شد و نسبت به انکار و اقرارشان و عزت و اهانت‌شان بی‌اعتنا شدم. سرانجام در اثر طول مجاهدت و کثرت ریاضت، نور الهی درون جانم تابیدن گرفت و دلم از شعله شهود مشتعل گشت و به اسراری دست یافتم که در گذشته نمی‌دانستم و رمزهایی برایم کشف شد که به آنگونه از طریق برهان نیافته بودم. در اینجا بود که عقلم آرام گرفت و استراحت یافت و نسیم انوار حق، صبح و عصر و شب و روز بر آن وزید و آنچنان به حق نزدیک شد که همواره با او به مناجات نشست.»

به دعوت والی فارس به شیراز برگشت و در مدرسه خان تدریس کرد. مدرسه خان تا پایان عمر ملاصدرا، مهم‌ترین مرکز علمی ایران بود. در این سال‌ها، ۷بار پای پیاده به حج رفت و در برگشت از هفتمین سفر، در بصره درگذشت.

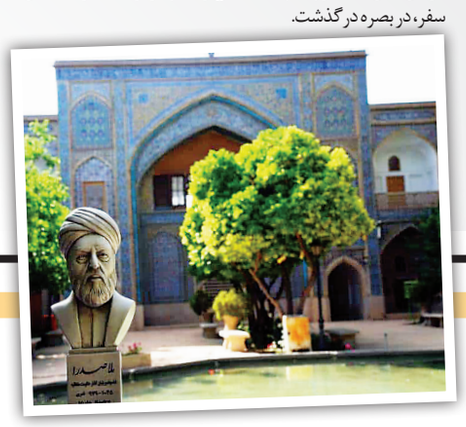

خوش‌خبر

دختر کارآفرین ایرانی

سحر مرادی، دختر جوان ایرانی از دیار لرستان حالا به یک کارآفرین موفق تبدیل شده و در سن ۲۸سالگی با تحقیق و دنبال کردن یک صفحه مجازی، توانسته خوراک دامی تولید کند که علاوه بر به‌صرفه بودن، از لحاظ پروتئینی هم برای دام بسیار مفید است. مرادی در حین تحقیق، با یک صفحه مجازی در کشور کلمبیا آشنا می‌شود که در آن پست‌ها و استوری‌هایی مربوط به یک خوراک دام جدید بارگذاری شده بود. او با تحقیق بیشتر متوجه می‌شود که چند کارگاه تولید خوراک دام با روش جدید در برخی از شهرهای ایران ازجمله کردستان، کرمان و گیلان فعالیت دارند و برای کسب اطلاعات بیشتر، راهی این شهرها می‌شود و پس از چندین سفر، هر بار با روش جدیدی آشنا می‌شود. حدود یک سال زمان می‌برد تا این بانوی ایرانی کارگاهش را راه‌اندازی کند؛ طی ۶ماه آزمایش‌ها و آنالیز را تکرار می‌کند تا بالاخره به محصول مورد نظر می‌رسد. مواد اولیه خوراک دامی که مرادی تهیه می‌کند، جوانه و ساقه جو است. به همین دلیل باید به کشت گلخانه‌ای روی بیاورد که هم سخت و هم حساس است؛ در این روش، جو پس از ۷ روز برداشت می‌شود. کشت جو که به‌صورت گلخانه‌ای است مانند یک نوزاد به مراقبت زیادی نیاز دارد، چون در معرض کپک است؛ بنابراین باید همه تمرکز و وقت خود را گذاشت تا محصول سالم برداشت شود. خوراکی که توسط خانم مرادی تولید می‌شود شامل ساقه و جوانه جو، کاه، یونجه و کنسانتره است که پس از میکس در بسته‌بندی‌های مخصوصی آماده می‌شود. خوراک تولید شده، علاوه بر پروتئین بالا برای دامدار هم به‌صرفه است.

خوراک آماده شده کیلویی ۷هزار تومان به فروش می‌رسد؛ درحالیکه جوی خشک کیلویی ۱۵هزار تومان است. در واقع خوراک دامی که تولید می‌شود یک مکمل است که روی پروتئین و شیر دام‌ها هم تأثیرگذار است. در این کارگاه ۳ نفر دیگر هم مشغول هستند؛ خدا قوت بانوی ایرانی.

نذر آب در نهبندان

همانطور که می‌دانید چند سالی است که کشور ما با خشکسالی مواجه شده و برخی از مناطق گرمسیری با اثرات ناشی از خشکسالی و بی‌آبی بیش از سایر مناطق دست و پنجه نرم می‌کنند. خوشبختانه جمعیت هلال‌احمر چند سالی است که به موضوع تغییرات اقلیمی توجه بیشتری دارد و طرح ملی «نذر آب» را در مناطق متاثر از خشکسالی اجرا می‌کند. استان گلستان برای پنجمین سال متمادی است که این طرح را اجرا می‌کند و امسال با تیم درمانی و حمایتی داوطلبی به روستای «چاه عباس اردونی» در شهرستان نهبندان استان خراسان جنوبی عازم شده است. داوود بخشی، یکی از خیرینی است که هر ساله برای ادای نذر خود، کاروان سلامت گلستان را همراهی می‌کند. بخشی در بازدیدی که از روستای هیرد در ۱۳۰کیلومتری شمال غرب نهبندان داشت، تصمیم گرفت نذر خود و سایر خیرین گلستانی که او نماینده آنهاست را در این روستای متاثر از خشکسالی ادا کند. با کمک داوود بخشی و دوستان خیر او ۲۵۰۰متر لوله کشی آب در روستای هیرد انجام و آب به روستا رسیده است که با حضور نماینده خیرین گلستان، این آبرسانی افتتاح شد. این داوطلب خیر درباره این اقدام خیرخواهانه می‌گوید: «هلال‌احمر با مدیریت قوی که دارد می‌تواند کمک‌ها را به جایی که نیاز وجود دارد برساند؛ هلال‌احمر از دل مردم برآمده و به همین دلیل در دل مردم جای دارد.»

«رویا» در سلامت کامل

آخرین خبر خوب امروز را به یک خبر محیط‌زیستی اختصاص داده‌ایم. اگر به یاد داشته باشید، «رویا» درنای بلژیکی که زمانی قرار بود یار و همسفر «امید» تک درنای سیبری باشد، از بلژیک بار سفر به مازندران بست و ششم بهمن پارسال با هماهنگی دفتر حفاظت و مدیریت حیات وحش سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور به تالاب بین‌المللی فریدونکنار منتقل شد. رؤیا سفر خود را از یک قفس شروع کرد و تمامی مسیر بلژیک تا مازندران را مجبور به حبس در این قفس بود و به امید روزی که بتواند از این قفس رها شود، پا به این خطه از شمال کشور گذاشت و البته این امیدش هم نتیجه داد. پروژه همسفر شدن رؤیا و تلاش‌ها برای همزادی طبیعی و محیطی این ۲پرنده با رهاسازی اش از قفس ادامه یافت و پس از گذشت ۵روز از زمانی که به مازندران آمد، با فراهم شدن همه شرایط، درنا همسفر بلژیکی با رها شدن از قفس طبیعی استتار شده در کنار درنای سیبری تالاب فریدونکنار قرار گرفت. در این مدت ۵ روز، کارشناسان حیات وحش تمام رفتار بین ۲پرنده را تحت کنترل و پایش قرار داده بودند و چشم انتظاری‌ها برای پرواز این دو پرنده به نوعی پایان دوران ۱۵ساله تنهایی امید بود اما رؤیا تاب سفر طولانی مدت را نداشت.

آن ۲روز ۱۴اسفند ماه پس از ۳۴روز اقامت به‌صورت مشترک، تالاب بین‌المللی فریدونکنار را به سمت سیبری ترک کردند اما رؤیا که تمام طول عمر زندگی اش را در یک مرکز محدود و محصور نگهداری در بلژیک سپری کرده بود، نتوانست مسیر را ادامه دهد و در ۲۱ اسفند ماه در منطقه‌ای در عباس آباد تنکابن در مازندران فرود آمد و این بار او را به منطقه اجاکله در نزدیکی تالاب فریدونکنار منتقل کردند. حالا ۷۱روز از آن روزی که رؤیا در عباس آباد زنده‌گیری و به اجاکله منتقل شده می‌گذرد و مسئولان محیط‌زیست مازندران همچنان در تلاشند تا محیط آرام و مطبوعی به همراه شرایط مناسب زندگی این پرنده فراهم شود. تازه‌ترین اظهارنظرهای محیط‌زیست مازندران، بیانگر سلامت کامل رویاست و مسئولان برای تامین رفاه و آسایش درنای بلژیکی، تمام عزم خود را جزم کرده‌اند تا گزینه‌ای که کمتر به این پرنده استرس وارد می‌کند را برای دوران تابستان گذرانی پیاده کنند.